

بررسی رابطه ترس از موفقیت، احساس شرم و گناه با نشانگان وانمودگرایی در دانشجویان دختر

زهرا زینی‌وند

کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه رازی کرمانشاه

لیلا امینی جاوید*

کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشگاه الزهرا(س) تهران

آسیه مرادی

استادیار دانشکده علوم اجتماعی و عضو هیئت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ترس از موفقیت، احساس شرم و گناه با نشانگان وانمودگرایی اجرا شد و این مطالعه از نوع توصیفی و همبستگی و جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دختر تحصیلات تکمیلی (مقطع ارشد و دکترا) دانشگاه رازی شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بود. که ۱۲۰۰ نفر را در بر می‌گرفت. از میان آن‌ها، تعداد ۳۰۰ نفر به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. سپس پرسشنامه‌های نشانگان وانمودگرایی کلانس و ایمز (۱۹۷۸)، ترس از موفقیت زاکرمن و آلیسون (۱۹۷۶) و زیر مقیاس آمادگی برای شرم و گناه مقیاس عاطفه خودآگاه تانگ نی (۲۰۰۵) در میان آن‌ها توزیع شد. برای تحلیل داده‌ها علاوه بر روش‌های آمار توصیفی از آزمون همبستگی و رگرسیون استفاده شد. نتایج نشان داد که میان نشانگان وانمودگرایی و احساس شرم و گناه و ترس از موفقیت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و متغیرهای پیش‌بین ترس از موفقیت و احساس شرم و گناه به طور معنادار و مثبت نشانگان وانمودگرایی را پیش‌بینی می‌کنند.

واژگان کلیدی

وانمودگرایی؛ احساس شرم و گناه؛ ترس از موفقیت؛ دانشجویان؛ دختر

* نویسنده مسئول

مقدمه و بیان مسئله

سالیان متمادی است که محققان تلاش می‌کنند تا به این سؤال پاسخ دهند که چرا برخی افراد برانگیخته می‌شوند تا به بالاترین سطح موفقیت و پیشرفت دست یابند، اما بعضی دیگر برانگیخته می‌شوند تا از موفقیت اجتناب کنند (شهنی‌یلاق و بساک نژاد، ۱۳۸۶) اجتناب از موفقیت با برخی از ویژگی‌های شخصیتی همراه است که موجب می‌شوند افراد در برخورد با واقعیت دچار مشکل شوند و به دلیل داشتن معیارهای بالای عملکرد و ارزیابی‌های سفت و سخت از خود و دیگران، در معرض انواع بیماری‌ها و عملکردهای نامناسب قرار بگیرند. نشانگان وانمودگرایی^۱ یکی از این ویژگی‌های شخصیتی ویژه افراد موفق است و بر عملکرد افراد به ویژه دانشجویان تأثیر می‌گذارد. (فرنچ^۲ و همکاران، ۲۰۰۸). در تعریف نشانگان وانمودگرایی می‌توان گفت که بسیاری از اشخاص توانمند و تیزهوش، به‌رغم قابلیت‌ها و موفقیت‌های روزافزون، هیچ احساس درونی نسبت به توانمندی‌ها و قابلیت‌های خود ندارند، بلکه معتقد هستند، به گونه‌ای، دیگران را فریب می‌دهند و باعث شده‌اند، آن‌ها این گونه در موردشان بیندیشند که افرادی باهوش و توانمند هستند. افرادی که بر این عقیده‌اند، موفقیت‌های خود را به شانس، طلسم، خطاهای کامپیوتری و عوامل خارجی دیگر نسبت می‌دهند، اسنادهای آن‌ها بیرونی است، با این فکر که موفقیت‌های آن‌ها معتبر نیست و با بیم آن‌که ممکن است دستشان رو شود، زندگی می‌کنند و خود را شایسته آن موفقیت نمی‌بینند (یانگ، ۲۰۰۴) به عبارت دیگر این نشانگان را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از احساسات بی‌کفایتی تعریف کرد که از این باور نشأت می‌گیرد که فرد شایسته و قادر به کسب مهارت در فعالیتی نیست که خواهان انجام آن است یا نیاز به انجام آن دارد. این احساسات حتی زمانی که فرد طبق شواهد به دست آمده در می‌یابد که عکس شرایطی که فکر می‌کرده، به وقوع پیوسته است (یعنی از عهده انجام آن کار برآمده است)، به قوت خود باقی هستند (سمیران^۳، ۲۰۰۳).

در میان جوانان و سایر اقشار در جامعه امروز نیز تصور قالبی چنین است که سطح و جایگاه علمی افراد میزان خوشبختی و موفقیتشان را مشخص می‌کند، در صورتی که واقعیت

1 Imposter Syndrome

2 French

3. Semeran



چیز دیگری است. یعنی بسیاری از افرادی که تحصیلات تکمیلی را گذرانده‌اند یا در حال تحصیل هستند، از جایگاه اجتماعی به ظاهر مناسب خود، حس خوشایندی ندارند. به عبارت دیگر آن‌ها احساس کفایت نمی‌کنند و باور دارند که از شایستگی کافی بهره‌مند نیستند و قابلیت انجام کار را ندارند. نشانگان وانمودگرایی به وضوح یک سبک انطباقی نامطلوب و فراگیر از تعامل با محیط را نشان می‌دهد (راس و کروواسکی^۱، ۲۰۰۳). این نشانگان که با تحصیل در سطوح بالا مرتبط است، امکان دارد بر دانشجویان به طرق مختلف تأثیر منفی بگذارد. دانشجویان وانمودگرا ممکن است هراس داشته باشند و به رغم داشتن توانایی و علاقه، رشته تحصیلی خود را تغییر دهند یا حتی ترک تحصیل کنند (فرنچ و همکاران، ۲۰۰۸). هولمز، کرتای، آدامسون، هولند و کلانس^۲ (۱۹۹۳) در یک پژوهش جامع در میان گروهی از دانشجویان دانشگاه دریافتند که اگر فردی بیش از ۵ تا ویژگی‌های نامبرده را تجربه کند، مبتلا به نشانگان وانمودگرایی است: توصیف خود به عنوان فردی فریب کار و وانمودگر، عدم پذیرش تأییدها و ستایش‌ها و شناخته شدن از سوی دیگران، ترس از شکست، ترس از شناخته شدن به عنوان فردی فریبکار، احساس عدم توانایی و فقدان شایستگی، عدم درونی کردن موفقیت‌ها، به طوری که آن‌ها را متعلق به خود نمی‌داند و اسناد موفقیت به شانس یا تلاش، یعنی اسنادهای متغیر بیرون. وانمودگرایان دارای علائم روان‌شناختی از قبیل اضطراب بالا و همیشگی، عزت نفس پایین، تعارض بین حقارت و برتری، خودپنداره منفی، ترس از رو شدن دست، ترس از شناسایی شدن و... دارند (رئسی و صالحی، ۱۳۸۷).

یکی دیگر از خصوصیات روان‌شناختی افراد مبتلا به وانمودگرایی، احساس گناه و شرمساری و ندامت^۳ است (راکامورا^۳، ۲۰۰۴). هیجان‌هایی مانند شرم و گناه، هیجان‌های خود آگاه هستند که به وسیله تأمل در خود و خودارزیابی برانگیخته می‌شوند (تانگ نی، ۲۰۰۵). این هیجان‌ها در واقع هیجان‌های خود تنظیم‌گر هستند و از طریق ارائه بازخوردهایی به خود در مورد افکار، نیت‌ها و هدایت رفتار، با انگیزه کردن فرد برای توجه به استانداردهای اخلاقی، اجتماعی و پاسخ‌دهی مناسب نقش مهمی دارند. اغلب مردم واژه شرم و گناه را به

-
1. Ross & krukoowski
 2. Holmes, Kertay, Adamson & clance
 3. emotion of shame and guilt

یک معنی به کار می‌برند، این در حالی است که اکثر پژوهش‌ها شرم و گناه را به عنوان دو هیجان متفاوت و متمایز تعریف کرده‌اند که در ابعاد شناختی، عاطفی و انگیزشی باهم تفاوت و در بافت تجربیات انسان با هم تداخل دارند و عموماً بعد از شکست در تعاملات با دیگران اتفاق می‌افتند. گناه به عنوان هیجانی براساس ناکامی توصیف شده است. جایی که فرد احساس اضطراب، ترش و عصبانیت می‌کند و این نیاز را احساس می‌کند که برای جبران باید به نحوی رفتار کند که استانداردهای اخلاقی درونی را نقض نکند. هنگام توضیح گناه تمرکز روی رفتار است در شرم تمرکز روی خود به عنوان یک کل است در این حالت شرم به عنوان هیجانی براساس احساسات افسرده کننده از قبیل ناامیدی، حماقت و آرزو برای اجتناب از بودن در کنار دیگران به خاطر ترس از طرد شدن تعریف شده است (جمالی فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۰، سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲). به عبارت دیگر، تجربه شرم مستقیماً در مورد خودی است که موضوع ارزیابی است (من این کار بد را انجام داده‌ام) احساس شرم یک هیجان به شدت دردناک است که با کوچک شدن، خوار شدن، بی‌ارزشی یا ناتوانی همراه است و در آن یک خصوصیت معطوف به درون وجود دارد (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲). در مقابل، احساس گناه به نسبت احساس شرم کم‌تر مخرب است، زیرا در احساس گناه دغدغه اصلی، یک رفتار خاص جدا از فرد و کاری که انجام شده است، موضوع ارزیابی است نه خود (من این کار بد را انجام داده‌ام)، این مسئله به تفاوت هیجانی، الگوهای انگیزشی و رفتارهای متفاوت منجر می‌شود (لوئیس^۱، ۱۹۷۱). با آنچه پیش از این درباره حس شرم گفته شد تمایز کیفی این حس با حس گناه و حس تقصیر، پذیرفتنی می‌نماید. حس شرم هرچند که دیگران هم در برانگیختن آن نقشی داشته باشند؛ در کل، حاصل نوعی خودانگیختگی فردی است و معطوف به کل وجود فرد می‌شود (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲).

ترس از موفقیت سازه انگیزشی دیگری است که نشانگان و نمودگرایی با آن ارتباط تنگاتنگ دارد. نخستین بار مفهوم ترس از موفقیت را هورنر^۲ به عنوان عاملی اضطراب‌انگیز در زندگی زنان شاغل معرفی شد (متقی و همکاران، ۱۳۸۳). از آنجا که زنان همواره نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و پرداختن به نقش آن‌ها در فرآیند توسعه جامعه اهمیت

1. Lewis

2. Horner



عمده‌ای دارد، یکی از عواملی که زنان را از پیشرفت باز داشته است، دیدگاه‌ها و ایستارهایی است که در بطن جامعه شکل گرفته‌اند. ایستارهایی که بدون تغییر در آن‌ها هرگونه تلاشی از سوی نهضت‌ها و جنبش‌های زنان بدون نتیجه خواهد ماند. این ایستارها به صورت کلیشه‌هایی در جامعه رسوخ کرده و مانع بزرگی در تغییر وضعیت زنان هستند. نگاهی به تاریخچه مسئله جایگاه زنان نشان می‌دهد که زن و مرد نقش‌های متفاوتی در جامعه و گروه‌های اجتماعی ایفا کرده و جایگاه‌های متفاوتی به لحاظ قدرت و منزلت اشغال می‌کنند، ولی نه صرفاً به خاطر تفاوت‌های زیست‌شناختی، بلکه تحت تأثیر ایدئولوژی، گذشته تاریخی، اقتصادی و فرهنگی، آن چنان قوی و هماهنگ عمل می‌کنند که به راحتی می‌توانند موقعیت فرودست زنان را تولید و باز تولید کنند (نیازی و همکاران، ۱۳۹۳) کلیشه‌های جنسیتی که اغلب به صورت نقش‌ها و انتظاراتی تعریف می‌شود، به صورت مکرر انتظار می‌رود یک جنس در جامعه آن را ایفا کند یا آن گونه بیندیشد، متأثر از هنجارها، ارزش‌ها، باورها و نگرش‌های اجتماعی است (زمانی و دهقانی پوده، ۱۳۹۳). طبق نظریه هورنر (۱۹۷۲)، روند تربیت و رشد اخلاقی زنان در جامعه، با آموختن معیارهای ضد و نقیض به آن‌ها همراه است. از یک سو دختر همچون پسر می‌آموزد که برای موفقیت، اهمیتی همراه با احترام قائل باشد و از سوی دیگر به او تلقین می‌شود که موفقیت در دنیای کار، خاص مردان و جو مناسب برای زنان، خانه و خانواده است. او با بررسی ویژگی‌های ترس از موفقیت، شیوع آن را در زنان بیش‌تر می‌داند و معتقد است که توصیف انگیزه ترس از موفقیت نوعی اصلاح الگوی انتظار - ارزش مک کلند واتکینسون است. به زعم او زنان به دلیل نقش‌های جنسیتی از رسیدن به موفقیت می‌ترسند و موفقیت را مغایر با ویژگی‌های زنانگی خود می‌دانند. در همین راستا، کولیگان و استرن برگ^۳ (۱۹۹۱)، کلانس واتلی^۴ (۱۹۸۷)، معتقدند که انسان با توانایی برای استقلال و جرأت‌ورزی به دنیا می‌آید. در این میان، دختران بین ویژگی‌های زنانگی خود مثل پرورش‌دهندگی، فرزندپروری و اتکای به دیگران از یک سو و رسیدن به استقلال از سوی دیگر، احساس تعارض می‌کنند. بنابراین، در بزرگسالی، بین خانواده، همسرگزینی و تربیت فرزند با موفقیت تحصیلی، شغلی و مالی،

-
1. value - Expected pattern
 2. Macceland & Atkinson
 3. Kolligian & Sternberg
 4. Otoole

احساس دوگانگی می‌کنند که به شک و تردید درباره توانمندی‌هایشان منجر می‌شود. به عبارت دیگر، تفکرات کلیشه‌ای بر پایه جنسیت در روند تربیتی جوامع سنتی، به زنان می‌آموزد تا به برآوردن موفقیت‌آمیز نیازهای دیگران بیش‌تر ببالند تا به موفقیت‌ها و پیش‌رفت‌های خود. چنین ذهنیت‌هایی موجب می‌شود که زنان موفقیت را مخالف نقش خود ببینند و بنابراین، از آن می‌ترسند. ترس از موفقیت در زنان از همان نخستین سال‌های زندگی شکل می‌گیرد و رشد می‌کند. این ترس در دختران، به همراه افزایش سن و زیر بار فشارهای اجتماعی افزایش می‌یابد (متقی و همکاران، ۱۳۸۳).

یافته‌های پژوهش‌های انجام گرفته مرتبط حاکی از ارتباط نشانگان و انمودگرایی با ترس از موفقیت و احساس شرم و گناه است؛ به عنوان مثال فراید باچ آلترا^۱ (۱۹۹۲) در مطالعه روی دانشجویان دانشگاه به این نتیجه دست یافت که ترس از موفقیت همبستگی بالایی با و انمودگرایی دارد. به طوری که و انمودگرایان دارای دو مشخصه اصلی ترس از موفقیت و رفتارهای اجتناب از شکست هستند و این به دلیل فقدان اعتماد به خود در این افراد است. به نظر دینل^۲ و همکاران (۲۰۰۴) و انمودگرایی، تعلل یا اهمال‌کاری، خود ناتوان‌سازی و ترس از موفقیت در دانشجویان دانشگاه از جمله رفتارهای اجتناب از شکست^۳ هستند که در بعضی از شرایط تحصیلی و شغلی برای حمایت از خودارزشی^۴ ظاهر می‌شوند. این رفتارها ممکن است در دانشجویان دانشگاه در مدارج عالی تحصیلی و در کارکنان و مدیران سازمان‌ها و مدارج عالی شغلی بروز کنند. بررسی پولاکس (۱۹۹۶) که بر روی دختران و پسران دانشجویان انجام شده است، نشان داد که احساس شرم آن‌ها با ادراک آن‌ها از محیط خانواده‌شان در کودکی مرتبط است (برودی و کارسون، ۲۰۱۱). نیز در پژوهش انجام شده در میان دانشجویان دختر و پسر مشخص شد که دختران بیش از پسران عملکرد عاطفی شدید دارند (تجربه شرم و گناه) و دخالت والدین با شدت و گاه فراوانی عاطفه شرم و گناه در دختران مرتبط است. بررسی‌های دیگر نشان می‌دهند بین فرزندپروری و استبدادی و بی‌توجهی با احساس گناه نامناسب و سازگاری کم در فرزندان (دانشجویان دختر) رابطه معناداری وجود دارد، الگوی

-
1. failure _ avoidant behaviors
 2. Dinnel , Hopkins & Tompson
 3. Porcrastination
 4. self-handicapping



تربیتی والدینی (مادر و پدر) با شرم رابطه معکوس داشته و حمایت افراطی والدینی (مادر و پدر) رابطه مستقیم با این هیجان دارد. یعنی با کاهش مراقبت و گرمی والدین و افزایش حمایت افراطی و کنترل والدین میزان احساس شرم در فرزند بالا می‌رود (شیلکرت و چییوتی^۱، ۱۹۹۷، گیلبرت و همکاران، ۱۹۹۶ و لوت واک و همکاران، ۱۹۹۷، نقل از انوشه‌ایی و همکاران، ۱۳۸۷). تحقیقات متعدد نیز نشان می‌دهند که احساس گناه نیز در متن روابط نزدیک رخ می‌دهد (لوئیس، ۱۹۸۶، هافمن، ۱۹۷۷ به نقل از متقی، ۱۳۸۳) می‌گویند ممکن است ریشه‌های احساس گناه در اولین مراقبت-فرزند نهفته باشد. علاوه بر این شواهد زیادی وجود دارند که نشان می‌دهند که استراتژی‌های تربیتی والدین در اجتماعی شدن احساس گناه در فرزندان نقش مهمی ایفا می‌کنند. پژوهش‌های اندکی در ایران درباره عوامل مؤثر بر ایجاد نشانگان و انمودگرایی در افراد انجام شده است. چراغی (۱۳۹۲) در پژوهشی نشان داد که میان نشانگان و انمودگرایی و باورهای خودکارآمدی رابطه معناداری وجود دارد، اما بین این نشانگان و تنظیم هیجانی رابطه معناداری وجود ندارد. حدادی و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی رابطه بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و عزت نفس با نشانگان و انمودگرایی به این نتیجه رسیدند که افراد دارای این نشانگان، با وجود شواهد بیرونی موفقیت‌ها، در درونی‌سازی موفقیت‌های خود ناتوان هستند و عزت نفس نامطمئن از ویژگی‌های این افراد است. در پژوهش روحانی، آتش‌پور، مسدد و صمصام شریف (۱۳۸۷) نشان دادند که بین ویژگی‌های روانی، روان‌پریشی، افکار پارانویید، ترس، پرخاشگری، اضطراب، افسردگی، حساسیت در روابط متقابل، وسواس و اجبار با نشانگان و انمودگرایی رابطه معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش مهرابی‌زاده هنرمند و همکاران (۱۳۸۴) نشان داد که متغیرهای ترس از موفقیت، کمال‌گرایی و ترس از ارزیابی منفی با نشانگان و انمودگرایی همبستگی مثبت و متغیر عزت نفس با این نشانگان همبستگی منفی دارد. در پژوهشی شهرکی مقدم و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند که بین نشانگان و انمودگرایی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از پژوهش شهنی بیلاق و همکاران (۱۳۸۶) نیز نشان داد که بین خود ابرازی دفاعی و نشانگان و انمودگرایی همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. و یوسفی امیری (۱۳۹۱) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که و انمودگرایی تأثیر مثبت و معناداری بر ویژگی‌های تطبیقی در رفتار

شهروندی-سازمانی دارد.

با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام شده و در نظر گرفتن این نکته که در برخی جوامع تفکرات کلیشه‌ای بر پایه جنسیت درباره زنان وجود دارد و روند تربیتی جوامع سنتی به زنان می‌آموزد تا به برآوردن موفقیت آمیز نیازهای دیگران بیش از موفقیت و پیشرفت‌های خود ببالند و چنین ذهنیت‌هایی موجب می‌شوند زنان موفقیت را مخالف نقش خود دیده و بنابراین از آن بترسند و این ترس در دختران، به همراه افزایش سن و زیر بار فشارهای اجتماعی برای وابسته ساختن آن‌ها افزایش یابد. و به شیوع بیش‌تر ترس از موفقیت در میان زنان منجر شود و باتوجه به بالا رفتن آمار فارغ التحصیلان دانشگاهی که قسمت اعظم آن‌ها زنان هستند و نیمی از نیروی فعال جامعه را تشکیل می‌دهند. که با آگاهی از موقعیت فروتر خود احساس محرومیت در آن‌ها افزایش یافته و میل به خروج از محرومیت و محدودیت‌های ایجاد شده طی محاسباتی عقلانی، انگیزه رقابت برای کسب منابع برتر در عرصه تحصیلات را در آن‌ها تقویت و تشدید می‌کند (اعظم آزاده و فلاح مهرآبادی، ۱۳۹۳) و با عنایت به اهمیت جذب این افراد در آینده در بازار کار، تعلیم و تربیت سایر افراد، و نقش مؤثر آنان در تشکیل و مدیریت خانواده و احساس ناخوشایند ناشی از وانمودگرایی که می‌تواند موجبات ناکارآمدی آن‌ها را فراهم آورد، ضرورت بررسی نشانگان وانمودگرایی در دانشجویان دختر بیش از پیش نمایان می‌شود. ذکر این نکته حائز اهمیت است که در پژوهش‌های پیشین (مهرابی زاده و همکاران، ۱۳۸۴) به بررسی این نشانگان با سایر متغیرها پرداخته شده و در مطالعه حاضر محققان این نیاز را احساس کردند، علاوه بر اینکه نشانگان وانمودگرایی و ترس از موفقیت را در جامعه آماری متفاوت بررسی کنند، برای اولین بار در ایران به بررسی رابطه نشانگان وانمودگرایی با احساس شرم و گناه در زنان دانشجوی تحصیلات تکمیلی اقدام کنند.

در پژوهش حاضر، هدف، بررسی ارتباط نشانگان وانمودگرایی با متغیرهای ترس از موفقیت و احساس شرم و گناه بود. و باتوجه به این هدف فرضیه‌هایی تدوین شد که عبارت هستند از:

۱. بین ترس از موفقیت با نشانگان وانمودگرایی رابطه وجود دارد.
۲. بین احساس شرم و گناه با نشانگان وانمودگرایی رابطه وجود دارد.
۳. ترس از موفقیت و احساس شرم و گناه پیش‌بینی کننده نشانگان هستند.



روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر جزء طرح‌های تحقیقی توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری را کلیه دانشجویان دختر تحصیلات تکمیلی (مقطع ارشد و دکترا) دانشگاه رازی شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ تشکیل داده است که حجم آن ۱۲۰۰ نفر بود. از این میان تعداد ۳۰۰ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند، سپس پرسشنامه‌های نشانگان وانمودگرایی کلانس و ایمز (۱۹۷۸)، ترس از موفقیت زاگرم^۱ و آیسون^۲ (۱۹۷۶) و زیر مقیاس آمادگی برای شرم و گناه مقیاس عاطفه خودآگاه تانگ نی (۲۰۰۵) در میان آن‌ها توزیع شد. برای تحلیل داده‌ها در سطح توصیفی فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد محاسبه شد و در سطح آمار استنباطی از آزمون همبستگی و رگرسیون استفاده شد.

ابزار گردآوری داده‌ها عبارت بودند از:

مقیاس ترس از موفقیت (FOSS):^۳ مقیاس ترس از موفقیت براساس نظرات هورنر در سال ۱۹۷۶ توسط زاگرمن و آیسون ساخته شد. این مقیاس دارای ۲۷ ماده است و براساس یک مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت تنظیم شده است. طیف پاسخ‌ها از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف امتداد دارد. ماده‌های ۴، ۵، ۸، ۱۰، ۱۴، ۱۷، ۲۱، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۱ سطح کم‌تری از ترس از موفقیت و مابقی آن، سطح بالای ترس از موفقیت را نشان می‌دهند. یافته‌های زاگرمن و آیسون (۱۹۷۶) نشان می‌دهند که آلفای کرونباخ این مقیاس برای مردان ۰/۶۹ و برای زنان ۰/۷۳ است و این مقیاس با انگیزه پیشرفت همبستگی منفی دارد. این مقیاس را مهرابی‌زاده هنرمند و همکاران (۱۳۸۴) در دانشگاه چمران اهواز، به فارسی ترجمه و جهت اجرا آماده شد. در پژوهش هنرمند و همکاران (۱۳۸۴) به منظور اعتباریابی این پرسشنامه از روش اعتبار ملاکی و اعتبار سازه استفاده شد. بدین منظور، برای اعتبار یابی ملاکی ترس از موفقیت از پرسشنامه تیپ A و مقیاس اجتناب و پریشانی اجتماعی استفاده شد. ضریب همبستگی بین پرسشنامه تیپ A و مقیاس ترس از موفقیت، $r=0/36$ بود که در سطح $P < 0/001$ معنادار است. همچنین، ضرایب همبستگی مقیاس ترس از موفقیت با مقیاس اجتناب و پریشانی اجتماعی، $r=0/34$ در

1. Zukerman
2. Alison
3. fear of Success Scale (FOSS)

سطح $P < 0/001$ معنادار است. شهرآرای و عبدی (۱۳۸۱) ضریب آلفای کرونباخ را روی نمونه‌ای از دانشجویان مهندسی، در زنان $0/66$ و در مردان $0/71$ گزارش می‌کنند. در پژوهش کنونی به منظور محاسبه ضرایب پایایی از دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده شد. در روش تنصیف نیز از دو روش اسپیرمن-بروان و گاتمن برای محاسبه ضرایب پایایی استفاده شده است. ضرایب محاسبه شده با روش آلفای کرونباخ $0/80$ و به روش تنصیف (اسپیرمن-براون $0/82$ و گاتمن $0/82$) بودند، که همگی از نظر روانسنجی مقادیر مطلوبی هستند.

مقیاس عاطفه خودآگاه (TOSCA): مقیاس عاطفه خودآگاه (تانگ نی، ۲۰۰۵) مربوط به بزرگسالان است و به شرح موقعیت‌های مختلفی می‌پردازد که در زندگی روزمره ممکن است پیش بیاید. این مقیاس ۱۶ موقعیت (سناریو) چندگویه‌ای (۱۱ سناریو منفی و ۵ سناریو مثبت) تشکیل شده است و شامل زیر مقیاس‌های آمادگی برای شرم (۱۶ گویه)، آمادگی برای گناه (۱۶ گویه)، برونی‌سازی (۱۶ گویه)، انزوا (۱۱ گویه) و غرور (۱۰ گویه) است. هر زیر مقیاس نحوه متفاوت پاسخ دهی فرد را به یک مسئله اخلاقی که در سناریو مطرح شده است، نشان می‌دهد و پاسخ به هر ماده در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. که در پژوهش‌های انجام شده مرتبط با احساس شرم و گناه از دو زیر مقیاس آمادگی برای شرم و آمادگی برای گناه استفاده شده است. در پژوهش انوشه‌ایی و همکاران (۱۳۸۵) ضریب پایایی احساس شرم و گناه به ترتیب $0/78$ و $0/70$ به دست آمده است. در پژوهش زارعی و همکاران (۱۳۹۰) نیز ضریب آلفای کرونباخ برای احساس شرم و گناه به ترتیب $0/80$ و $0/75$ و در پژوهش روشن چسلی و همکاران (۱۳۸۶) نیز به ترتیب $0/79$ و $0/63$ محاسبه شده است. در مطالعه حاضر نیز از مقیاس آمادگی برای شرم و آمادگی برای گناه استفاده شده است. که آلفای کرونباخ محاسبه شده به ترتیب $0/85$ و $0/78$ است.

مقیاس نشانگان وانمودگرایی کلانس (CIPS): کلانس و ایمز (۱۹۸۷) برای نخستین بار به صورت مداد-کاغذی آن را ساخته و هنرمند و همکاران (۱۳۸۴) آن را ترجمه و جهت اجرا آماده کرده‌اند. این مقیاس شامل ۲۰ ماده است که از آزمودنی خواسته می‌شود تا براساس یک پیوستار پاسخ‌ها از "۱ هیچ وقت"، "۲ به ندرت"، "۳ بعضی اوقات"، "۴ اغلب"، "۵ خیلی زیاد"، نظر خود را درباره هر ماده ابراز کند. اگر مجموعه نمره‌ها کم‌تر از ۴۰ باشد وانمودگرایی

1. Clance Imposter Phenomenon Scale (CIPS)



ضعیف، ۴۱ تا ۶۰ وانمودگرایی متوسط و ۶۱ تا ۸۰ وانمودگرایی مرضی، ۸۰ به بالا وانمودگرایی شدید تلقی می‌شود. یافته‌های پژوهشی هولمز و همکاران (۱۹۹۳) همسانی درونی بالا با ضریب آلفای ۰/۹۶ را برای این مقیاس گزارش می‌کنند. کریسمن و همکاران (۱۹۹۵) نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴ را گزارش می‌کنند. در پژوهش هنرمند و همکاران (۱۳۸۴)، برای تعیین ضریب پایایی از دو روش آلفای کرونباخ و روش تصنیف استفاده شده است. در روش تصنیف از دو روش اسپیرمن- براون و گاتمن برای محاسبه ضرایب پایایی استفاده شده است. مقدار ضرایب محاسبه شده به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳، به روش اسپیرمن- براون ۰/۷۳ و به روش گاتمن ۰/۷۳ است که همگی از نظر روان سنجی در حد مطلوب هستند. شهنی ییلاق و بساک نژاد (۱۳۸۶) نیز ضرایب پایایی به روش آلفای کرونباخ، اسپیرمن- براون و گاتمن را به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۳، ۰/۷۳ محاسبه کرده‌اند؛ هم چنین ضرایب روایی مقیاس وانمودگرایی با مقیاس اجتناب و پریشانی اجتماعی در پژوهش شهنی ییلاق و بساک نژاد (۱۳۸۶) برابر ۰/۴۸ است که در سطح $p < 0/001$ معنادار است و مقیاس وانمودگرایی با مقیاس تیپ شخصیتی A برابر ۰/۴۱ است که در سطح $p < 0/001$ معنادار است در مجموع می‌توان به این نتیجه دست یافت که این مقیاس از ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوبی بهره‌مند است.

یافته‌های پژوهش

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری در دو سطح توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی (ضریب همبستگی، تحلیل واریانس و رگرسیون) استفاده شد.

جدول ۱: داده‌های توصیفی سننمونه

متغیر	حجم نمونه	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
سن	۳۰۰	۲۱	۳۵	۲۶/۰۸	۳/۱۷

همان‌گونه که در جدول ۱ نشان داده شده است در پژوهش حاضر تعداد افراد نمونه ۳۰۰ نفر بودند. سن افراد در محدوده بین ۲۱ سال - ۳۵ سال قرار دارد و میانگین آن ۲۶/۰۸ و انحراف استاندارد آن ۳/۱۷ است.

جدول ۲: توزیع فراوانی مقطع تحصیلی گروه نمونه

شاخص	فراوانی	درصد
ارشد	۲۵۲	۸۶/۹
دکتر	۳۸	۱۳/۱
کل	۳۰۰	۱۰۰

در جدول ۲ شاخص‌های مربوط به توزیع فراوانی برای نمونه مورد بررسی بر اساس مقطع تحصیلی آزمودنی‌ها ارائه شده است تعداد ارشد ۲۵۲ (۸۶/۹ درصد) و تعداد دکتر ۳۸ (۱۳/۱٪) می‌باشد.

جدول ۳: میانگین و انحراف استاندارد گروه نمونه

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
ترس از موفقیت	۱۲۰/۵۹	۱۸/۸۴
احساس شرم و گناه	۱۰۱/۳۱	۱۶/۸۳
نشانگان و نمود گرایی	۵۱/۸۳	۱۲/۷۷

داده‌های توصیفی جدول ۳ نشان می‌دهد که میانگین و انحراف معیار ترس از موفقیت به ترتیب ۱۲۰/۵۹ و ۱۸/۸۴، میانگین و انحراف استاندارد احساس شرم و گناه به ترتیب ۱۰۱/۳۱ و ۱۶/۸۳ و میانگین و انحراف استاندارد نشانگان و نمود گرایی نیز به ترتیب ۵۱/۸۳ و ۱۲/۷۷ می‌باشد.

جدول ۴: ماتریس همبستگی بین ترس از موفقیت و احساس شرم و گناه با نشانگان و نمود گرایی

متغیرها	ترس از موفقیت	احساس شرم و گناه	نشانگان و نمود گرایی
ترس از موفقیت	۱		
احساس شرم و گناه	*۰/۱۱۸	۱	
نشانگان و نمود گرایی	**۰/۵۶۵	*۰/۱۲۷	۱

**همبستگی در سطح $\alpha < 0/05$ معنادار است

**همبستگی در سطح $\alpha < 0/01$ معنادار است



همان گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود درصد همبستگی مشاهده شده بین نشانگان وانمودگرایی و ترس از موفقیت در سطح $0/01 < \alpha$ برابر است با $0/565$ و معنادار است. و همچنین همبستگی مشاهده شده بین نشانگان وانمودگرایی و احساس شرم و گناه در سطح $0/05 < \alpha$ برابر است با $0/127$ و معنادار است.

جدول ۵: نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش بینی نشانگان وانمودگرایی از روی ترس از موفقیت و احساس شرم و گناه

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۱	۰/۵۱	۰/۲۶	۰/۲۵	۱۰/۴۰

همان‌طور که در جدول ۵ آمده است ضریب تعیین به دست آمده در مدل نشان می‌دهد که تقریباً ۲۵٪ تغییرات نشانگان وانمودگرایی، توسط احساس شرم و گناه و ترس از موفقیت تبیین شد. ($R^2 = 0/26$).

جدول ۶: تحلیل واریانس مدل رگرسیون احساس شرم و گناه و ترس از موفقیت بر نشانگان وانمودگرایی

مدل	منبع	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F آماره	سطح معناداری
۱	رگرسیون	۱۱۰۵۱/۲۵	۲	۵۵۲۵/۶۲	۵۱/۰۴	۰/۰۰۰۱
	باقی مانده	۳۱۰۶۵/۹۵	۲۸۷	۱۰۸/۲۴		
	جمع	۴۲۱۱۷/۲۰	۲۸۹			

نتایج جدول ۶ نشان داد که متغیرهای پیش بین یعنی احساس گناه و شرم و ترس از موفقیت به طور معنادار با نشانگان وانمودگرایی رابطه دارد ($p < 0/0001$ و $F = 51/04$).

جدول ۷: جداول ضرایب رگرسیون احساس شرم و گناه و ترس از موفقیت بر نشانگان وانمودگرایی

مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		T	سطح معناداری
	B	خطای استاندارد	بتا	خطای استاندارد		
۱	ضریب ثابت	-۴/۳۷	۶/۰۴		-۰/۷۲	۰/۴۷
	ترس از موفقیت	۰/۳۹	۰/۰۳	۰/۴۶	۹/۱۲	۰/۰۰۰۱
	احساس شرم و گناه	۰/۱۵	۰/۰۴	۰/۱۹	۳/۸۵	۰/۰۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۷ نشان داده شده است، متغیر پیش بین احساس شرم و گناه به طور

معنادار و مثبت نشانگان وانمودگرایی را پیش بینی می‌کند ($P < 0/0001$ و $\beta = 0/19$) و متغیر پیش‌بین ترس از موفقیت به طور معنادار و مثبت نشانگان وانمودگرایی را پیش‌بینی می‌کند ($P < 0/0001$ و $\beta = 0/46$).

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف بررسی ارتباط نشانگان وانمودگرایی با متغیرهای ترس از موفقیت و احساس شرم و گناه در دانشجویان دختر تدوین شده است. بر همین اساس یافته‌های پژوهش حاضر در راستای پژوهش‌های پیشین، معرف آن است که بین ترس از موفقیت و نشانگان وانمودگرایی رابطه معناداری وجود دارد و درصد همبستگی مشاهده شده بین نشانگان وانمودگرایی و ترس از موفقیت در سطح $\alpha < 0/01$ برابر با $0/565$ و معنادار است و متغیر پیش‌بین ترس از موفقیت به طور معنادار و مثبت نشانگان وانمودگرایی را پیش‌بینی می‌کند ($P < 0/0001$ و $\beta = 0/46$). این بدین معناست که دانشجویان با توجه به رسیدن به درجات بالای شغلی و تحصیلی دارای ویژگی‌های وانمودگرایی و نیز ویژگی‌های ترس از موفقیت هستند و این دو، متغیرهایی هستند که در حیطه انگیزه پیشرفت بروز کرده و از جمله موانع موفقیت محسوب می‌شوند. و همان‌گونه که در بیان مسئله بدان اشاره شد مبتلایان به نشانگان وانمودگرایی به‌رغم رسیدن به سطوح عالی تحصیلی، شغلی و کسب موفقیت، از شناخته شدن و ممتاز بودن می‌ترسند و قادر به درونی کردن موفقیت نیستند، این افراد موفقیت‌ها را به شانس نسبت داده و قادر به درونی‌سازی موفقیت نیستند و خود را مستحق تشویق‌ها و پاداش‌های دیگران نمی‌دانند، از شناخته شدن و ممتاز شدن بیم دارند، می‌ترسند که مبادا دیگران کشف کنند که فاقد توانایی هستند و سخت‌کوشی و تلاش در رسیدن به موفقیت را نشانه ناتوانی فردی می‌دانند و از پیامدهای موفقیت همچون از دست دادن دوستان، جایگاه فردی و هویت شخصی می‌ترسند (شهنی بیلاق و بساک نژاد، ۱۳۸۶). یافته‌های این پژوهش درباره همبستگی معنادار ترس از موفقیت و نشانگان وانمودگرایی با یافته‌های مهرابی زاده هنرمند و همکاران (۱۳۸۳)، فراید باج آلتز (۱۹۹۲)، دینل و همکاران (۲۰۰۴)، همخوانی دارند. مهرابی زاده و همکاران (۱۳۸۴) نیز مطابق با نتایج این پژوهش بیان داشتند که نشانگان وانمودگرایی با ترس از موفقیت همبستگی دارد. و نیز فراید باج آلتز (۱۹۹۲) در مطالعه روی



دانشجویان دانشگاه به این نتیجه دست یافت که ترس از موفقیت همبستگی بالایی با وانمودگرایی دارد. همان طور که دینل و همکاران (۲۰۰۲) بیان می‌کنند وانمودگرایی با ترس از موفقیت دارای ویژگی‌های روان‌شناختی هستند و به طور کلی وانمودگرایان از پیامدهای موفقیت می‌ترسند و رفتارهای اجتناب-شکست از خود بروز می‌دهند. یافته دیگر پژوهش حاضر حاکی از ارتباط نشانگان وانمودگرایی و احساس شرم و گناه در سطح $\alpha < 0/05$ ، $0/127$ و معنادار است و نیز متغیر پیش بین احساس شرم و گناه به طور معنادار و مثبت نشانگان وانمودگرایی را پیش بینی می‌کند ($P < 0/0001$ و $\beta = 0/19$). همان‌گونه که مطالعات برخی روان‌شناسان درباره علت ترس از موفقیت در زنان نشان داده است که اغلب زنان فکر می‌کنند بین موفقیت و زن بودن تعارض وجود دارد. از سوی دیگر ترس از موفقیت هم در میان زنانی رایج است که بین نقش اجتماعی و کاری خود و خصوصیات زنانه شان احساس دوگانگی پیدا می‌کنند و نیز بنا به تصور رایج برخی جوامع، شخصیت ایده‌آل و مطلوب برای زنان، خانه‌دار و کدبانوی خوب بودن است نه یک مدیر و کارمند موفق. در نتیجه این تفکرات کلیشه‌ای بر پایه جنسیت، چنین ذهنیت‌هایی موجب می‌شود که زنان، موفقیت خود را مخالف نقش خود ببینند و بنابراین، از آن بترسند و گاهی چون شرم دارند که به عنوان فردی متقلب شناخته شوند از عرضه توانایی و خلاقیت‌های خود، اجتناب می‌کنند و به دلیل اینکه شاید در آینده نتوانند موفقیت و خلاقیت خود را تکرار کنند، میزان خطرپذیری در آن‌ها کاهش می‌یابد و این احساس شرم و گناه کاذب باعث ارزیابی منفی و احساس ضعف و بی‌ارزشی در افراد می‌شود (لاندرگرن، ۲۰۱۳). یافته‌های مقاله حاضر نیز مؤید این مسئله است. یافته‌های این پژوهش درباره همبستگی معنادار احساس شرم و گناه و نشانگان وانمودگرایی با یافته‌های راکامور (۲۰۰۴) و پارکمن و برد (۲۰۰۸)، هم‌سو است. راکامور (۲۰۰۴) در پژوهش خود بیان داشته که در افراد وانمودگرا، حس شرمساری و ترس درونی وجود دارد. و پارکمن و برد (۲۰۰۸) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که احساس شرم و گناه در صورتی حاصل می‌شود که فرد نتواند موفقیت سابق خود را در حضور دیگرانی که توقعشان به دلیل موفقیت قبلی بالا رفته تکرار کرده، احساس شرم می‌کند و خود را مقصر و گناه کار می‌پندارد. پژوهش حاضر نیز مانند هر پژوهش علمی دیگر با محدودیت‌هایی مواجه بود. از آن‌جا که، انجام این مطالعه در محیط پژوهشی با محدودیت جغرافیایی و ویژگی‌های خاص فرهنگی

اجتماعی، با نمونه‌ای که شامل دانشجویان دختر تحصیلات تکمیلی بود، این امر تعمیم نتایج را به سایر جوامع با ویژگی‌های متفاوت فرهنگی و افراد در سنین دیگر و سایر دوره‌های تحصیلی محدود می‌کند، تعداد زیاد سؤالات پرسشنامه‌ها و به تبع آن خستگی و عدم مشارکت مطلوب آزمودنی‌ها، عدم همکاری مناسب دانشجویان تحصیلات تکمیلی به علت کمبود وقت، همچنین محدودیت‌هایی در زمینه علت‌شناسی متغیرها با توجه به این نکته که طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی است از جمله سایر محدودیت‌های موجود است. لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به منظور بررسی دقیق‌تر مسئله به غیر از پرسشنامه از مصاحبه نیز استفاده شود. و در صورتی که افراد مورد مطالعه دانشجویان باشند تأثیر خرده فرهنگ‌ها در این راستا بررسی شوند و متخصصان امر با برگزاری جلسات مشاوره گروهی و کارگاه‌های آموزشی به تبیین و روشن سازی علل این مسئله اقدام کرده و موجبات درک توانمندی‌های موجود در دختران دانشجو و کاهش ترس از کسب موفقیت و به تبع آن کاهش احساس شرم و گناه را فراهم کنند. و نیز با در نظر گرفتن این نکته که ترس از موفقیت و احساس شرم و گناه می‌تواند از درون خانواده و در دوران کودکی و نوجوانی در دختران جامعه ما شکل بگیرد ارتباط نشانگان وانمودگرایی با سایر متغیرهای مرتبط مانند سبک‌های تربیت والدینی، شیوه‌های فرزندپروری، سبک دلبستگی، سبک‌های مقابله‌ای، هویت و نشانه‌های بالینی چون افسردگی و اضطراب، تأثیر خانواده و میزان تحصیلات خانواده بررسی شود.



منابع

- اعظم آزاده، منصوره و فلاح مهرآبادی، سمیه (۱۳۹۳). بررسی علل گرایش دختران به تحصیلات عالی. *مطالعات اجتماعی- روانشناختی زنان*. ۱۲(۲)، ۳۱-۵۲.
- انوشه‌بی، مریم، پورشهریاری، مه سیما و ثنایی ذاکر، باقر (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین ادراک دختران از الگوهای تربیتی والدینشان با احساس شرم و گناه در آن‌ها. *پژوهش‌های مشاوره*. ۷(۲۵)، ۷-۲۶.
- جمالی فیروزآبادی، محمود، زارعی، سلمان و اسدی، زهرا (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین اعتماد، شرم و گناه با خودتمایزسازی در دانشجویان متأهل دانشگاه علامه طباطبائی تهران. *تحقیقات روان‌شناختی*، ش ۱۱، ۱۵-۲۶.
- حدادی. بهرام، آزیتا. خلعت‌بری، جواد و قربان شیرودی، شهره (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و عزت نفس با نشانگان وانمودگرایی (سندرم ایمپاستر). *اصول بهداشت روانی*. ۱۳(۱)، ۳۰-۴۱.
- چراغی، ساناز (۱۳۹۲). *رابطه بین سندروم ایمپاستر، باورهای خودکارآمدی و تنظیم هیجانی بین ورزشکاران شهر شیراز*. پایان نامه کارشناسی ارشد.
- روحانی، نسیم، آتش‌پور، سیدحمید، مسدد، سیدعلی و صمصام شریعت، سیدمحمدرضا (۱۳۸۷). رابطه ویژگی‌های روانی و نشانگان ایمپاستر در دانشجویان رشته پزشکی و داروسازی دانشگاه اصفهان. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی*. ۴(۲۸)، ۱۱۹-۱۳۴.
- روشن چسلی، رسول. عطری فرد، مهدیه. نوری مقدم، ثنا (۱۳۸۶). بررسی اعتبار و پایایی سومین نسخه تجدیدنظر شده مقیاس عاطفه خودآگاهی برای بزرگسالان. *مجله دانشور رفتار*. ۱۴(۲۵)، ۳۱-۴۶.
- رئیزی، زهره و صالحی، مهدیه (۱۳۸۷). معرفی سندرم ایمپاستر (بیماری افراد موفق). *نشانه‌ها، علل پیامدها*. *مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی*. ۳۵ و ۳۶، ۲۳۰-۲۰۷.
- زارعی، سلمان، فرحبخش، کیومرث و اسمعیلی، معصومه (۱۳۹۰). تعیین سهم خودتمایزسازی، اعتماد، شرم و گناه در پیش‌بینی سازگاری زناشویی. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*. ۱۲(۳)، ۵۱-۶۳.

زمانی، بی بی عشرت و دهقانی پوده، لیلا (۱۳۹۳). کاربرد اینترنت بر مبنای خودکارآمدی و کلیشه‌های جنسیتی در دانشجویان دانشگاه اصفهان. *مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان*. ۱۲(۲)، ۱۷۰-۱۴۷.

سعیدی، ضحی، قربانی، نیما، سرافراز، مهدی رضا و محمدحسین، شریفیان (۱۳۹۲). اثر القای شفقت خود و حرمت خود بر میزان تجربه شرم و گناه. *روان‌شناسی معاصر*. ۸(۱)، ۱۰۲-۹۱.

شهرآرای، مهرناز و عبدی، بهشته (۱۳۸۱). رابطه بین وضعیت هویت شغلی و جنس با ترس از موفقیت در دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۹(۳)، ۶۴-۴۳.

شهرکی مقدم، سمیه، فاضل، امین اله و چین آوه، محبوبه (۱۳۹۲). مقایسه نشانگان وانمودگرایی دانش آموزان تیزهوش و عادی شهر زاهدان. *ششمین همایش روان‌پزشکی کودک و نوجوان - چکیده مقالات*. <http://congress.tbzmed.ac.ir/6child/Archive>.
شهنی ییلاق، منیجه و بساک نژاد، سودابه (۱۳۸۶). بررسی رابطه انواع راهبردهای خود ابرازی با نشانگان وانمودگرایی. *دوماهانامه علمی-پژوهشی دانشور دانشگاه شاهد*. ۱۴(۲۵)، ۷۴-۶۱.

متقی، محمدحسین، موسی پور، نعمت اله و کرمانی ارجمند، شهناز (۱۳۸۳). علل ترس از موفقیت در زنان شاغل. *مجله مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان*. ۲(۵)، ۶۳-۴۰.
مهرابی زاده هنرمند، مهناز، بساک نژاد، سودابه، شهنی ییلاق، منیجه، شکرکن، حسین و حقیقی، جمال (۱۳۸۴). بررسی روابط ساده و چندگانه ترس از موفقیت، عزت نفس، کمال‌گرایی و ترس از ارزیابی منفی با نشانگان وانمودگرایی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز. *مجله تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه چمران اهواز*. ۱۲(۳)، ۲۴-۱.

نیازی، محسن، گنجی، محمد و شفائی مقدم، الهام (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نگرش به طرحواره جنسیتی نقش‌های خانوادگی، اجتماعی و حرفه‌ای زنان. *مطالعات روانشناختی - اجتماعی زنان*، ۱۲(۲)، ۱۱۶-۸۱.

یوسفی امیری، محمد (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین نشانگان وانمودگرایی و ویژگی‌های تطبیقی در رفتار شهروندی - سازمانی پرستاران بیمارستان‌های شهر زنجان. پایان نامه کارشناسی



ارشد.

- Brody, S., & carson, C (2011). Brief report: self- harm is associated with immature defense mechanisms but not substanc use in a nonclinical Scottish a dolescent sample. *Journal of Adolescence*.1-3.
- Chriman, S. M., Pieper, W. A., Clance, P. R., Holland, C. L., & Glickauf-Hughes, C.(1995). Validation of the Clance Imposter Phenomenon Scale. *Journal of Personality Assessment*, 65(3), 456-467.
- Clance,P.R. & Imes,SA.(1978).The imposter Phenomenon in high achieving woman: Dynamics and therapeutic intervention.Psychotherapy:theory, *Research and Practice*.241-247.
- Dinnel DL, Hopkins J, Thompson T(2004). *The role of family environment variables in the development Of failure-avoidant behaviors*. Unpublished manuscript, Univercity of Western Washington, U. S. A.
- French,Brian F.Ullrich-French,Sarah C. & Follman,deborah. (2008).The psychometric properties of the Clance Impostor Scale. *Personality and individual Differences*,44,1270-1278
- Fride- Buchalter, S.(1992) Fear of success, fear of failure, and the imposter phenomenon : A factor analitic: approach to convergent and discriminant validity. *Journal of persanality Assesmant*,58(2),368-379
- Holmes, S., Kertay, L., Adamson, L., Holand, C., & clance, P. (1993). Measuring the impostor phenomenon : A comparison of clances IP scale and Harveys IP scale. *Journal of personality assessment*, 60. 48-59.
- Horner ,M .S (1972) .Toward an under standing of achivement . Rakated confilicts in womwn *Journal of social* ,281 ,157 -175.
- Kolligian, J., & Sternberg, R. (1991). Perceived fraud alence in young adults: is there an impostor syndrome?.*Journal of personality assessment*, 56(2). 308-326.
- Lewis , H. B .(1971). *Shame and guilt in neurooosis* . New York : International Universities Press.
- Lundgren. J.(2013). *Imposter syndrome: When you feel like you re faking it*. Wound Care Advisor.com.Volume2, Number4.30-34
- Parkman. A., Beard, R.(2008). Succession planning and the imposter phenomenon in higher education. *College and university Professional Association for Human Resource Journal*. 59(2):29-36.
- Pulakos, J. (1996). Family environment and shame: is there a relationship. *Journal of Clinical psychology*, 52(6).617-623.
- Rocamora,Mary.(2004). What every woman need to know about competemenc, the Imposter syndrome , and the Art of winging it.Internet.
- Ross.S.R and Krukowski,R.A(2003) *The imposter Phenomenon and maladaptive*

- personality :type and trait characteristics*. Personality and individual differences. Semeran, Baharagva. (2003). The imposter syndrom: feeling like a fraud internet
- Tangney, J. P. (2005). Self-Relevant Emotions. In M. R. Leary, & J. P. Tangney (Eds.), *Handbook of self and identity* (pp. 384-400). New York: Guilford Press.
- Yong, Valerie. (2004). Imposter Syndrome: How to feel as bright and capable -1-16 (internet) Young, Valerie. (1987). imposter syndrome. Interet.
- Zuckerman, M. & Allison, S. (1976). An objective measure of fear of success construction and validation. *Journal of personality Assessment*, 40(4), 422-432.



نویسندگان

Email: zeynivand22@yahoo.com

زهرا زینی‌وند

کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی (۱۳۹۳)، دانشگاه رازی کرمانشاه
علاقه تخصصی و پژوهشی: روان‌شناسی شخصیت، معنویت و روان‌شناسی اسلامی و
پژوهش در حیطه مسائل روانشناختی زنان

Email: leilaaminijavid@yahoo.com

لیلا امینی‌جاوید

کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی (۱۳۹۲)، دانشگاه الزهرا(س)
دارای چندین مقاله علمی - پژوهشی ISC در زمینه آسیب‌شناسی روانی و اجتماعی فن-
آوری‌های نوین ارتباطی، روان‌شناسی اسلامی، هوش معنوی و سبک‌های فرزندپروری

Email: behrooz1x@gmail.com

آسیه مرادی

استادیار دانشکده علوم اجتماعی و عضو هیئت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه
علاقه تخصصی و پژوهشی: انگیزش تحصیلی، نیازهای اساسی روان‌شناختی، فرهنگ و
ادراک خود

دارای چندین مقاله علمی - پژوهشی ISC است.